

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

نتایج عمل صالح

در ادامه‌ی مبحث عمل صالح، تعدادی از آیات مربوط به «نتایج عمل صالح» بررسی شد در این

جلسه، بقیه‌ی آیات را مورد توجه قرار خواهیم داد:

✓ سوره انبیاء - آیه ۷۵:

« وَ أَدْخَلْنَاهُ فِي رَحْمَتِنَا إِنَّهُ مِنَ الصَّالِحِينَ »

با توجه به آیه‌ی قبلی، این عبارت مربوط به حضرت لوط^(ع) می‌باشد که بیان یکی از نتایج

معنوی عمل صالح می‌باشد: داخل شدن در رحمت الهی.

آیا انبیای الهی و یا پیامبری مثل حضرت لوط^(ع) قبل از رحمت خداوند برخوردار نبوده‌اند، که در

این آیه ورود در رحمت الهی را منوط به عمل صالح دانسته است؟

«رحمت» یعنی ایصال خیر، رساندن خیر. ادامه‌ی حیات و بقای هر چیزی وابسته است به

برخورداری از رحمت خداوند و اگر رحمت الهی به موجودات نرسد، ادامه‌ی بقا و حیات برای آنها

ممکن نخواهد بود و روزی، نعمت و هر چیزی که به موجودات می‌رسد، به واسطه‌ی رحمت خداوند

می‌باشد.

اگر رحمت خداوند نباشد، گیاه نمی‌تواند رشد کند و خشک می‌شود. همان گیاه و چوب خشک شده برای بقاء خود، وابسته به رحمت الهی است و اگر رحمت خداوند نباشد، از هم می‌پاشد و از بین می‌رود و نیست می‌شود. یک صندلی مادامی که از رحمت خداوند برخوردار است، می‌تواند فرم و شکل صندلی بودن را حفظ کند.

اصل وجودی و کمالات وجودی تمام جمادات، گیاهان، حیوانات و انسان وابسته به رحمت الهی است که این رحمت، عام بوده و چه موجودی بخواهد، چه نخواهد، مشمول این رحمت الهی خواهد بود. این رحمت عام و گسترده‌ی خداوند را می‌گوییم « رحمت رحمانیه » و « رحمان » اسمی است برای این صفت خداوند.

علاوه بر این رحمت عام، خداوند یک رحمت خاص دارد که فقط شامل مؤمنین و کسانی می‌شود که به خداوند رو کنند و هدایت‌پذیر باشند.

این رحمت خاص، «رحمت رحیمیّه» خداوند می‌باشد و «رحیم» اسم این صفت خداوند می‌باشد که همان هدایت‌های درونی الهی می‌باشد.

اگر کسی رو به خداوند نکند، نمی‌تواند از این رحمت بهره‌برد. کسی که حرف حق بشنود و آن را انکار کند نمی‌تواند از « رحمت رحیمیّه » خداوند بهره‌برد. چنین فردی فقط شایسته‌ی « رحمت رحمانیه » است. خداوند نسبت به او فقط رحمان است. رزق و روزی دنیوی به او می‌دهد، زن و فرزند و زندگی و مال و موقعیت اجتماعی به او می‌دهد و او را حفظ می‌کند و او می‌تواند مثل همه‌ی موجودات

دیگر از رحمت عام و گسترده‌ی خداوند بهره ببرد، ولی از رحمت خاص خداوند و هدایت معنوی بی بهره است.

علاوه بر این‌ها، خداوند یک «رحمت أخص» دارد که عنایتهای ویژه‌ی هدایتی می‌باشد و شامل بندگان خاص خود مثل انبیاء الهی و صالحین می‌کند.

بنابراین، در این آیه که خداوند می‌فرماید: « وَ أَدْخَلْنَاهُ فِي رَحْمَتِنَا إِنَّهُ مِنَ الصَّالِحِينَ » منظور از رحمت الهی، رحمت أخص خداوند است که به عنوان نتیجه‌ی معنوی عمل صالح، مشمول صالحین می‌شود.

آیا رحمت أخص، فقط شامل حال انبیاء الهی می‌شود؟

اگر در آیه دقت شود، در خواهیم یافت که ورود به رحمت أخص، نتیجه‌ی عمل صالح است نه نبوت. یعنی انبیاء الهی هم چون صالح بودند، به رحمت أخص الهی رسیدند. لذا راه برای همه باز است و از سیاق آیه، انحصار استفاده نمی‌شود.

به این مثال دقت کنید: در قرآن داریم که خداوند می‌فرماید، آنها را نابود کردیم و این گونه رفتار می‌کنیم با ظالمان. یعنی چون ظلم کردند، نابود شدند. جمله‌ی دوم دلیل جمله‌ی اول است، بدون آنکه به طور صریح تاکید شده باشد. در این آیه نیز می‌فرماید: ما او را داخل رحمت خودمان کردیم و او از صالحین بود. یعنی چون صالح بود، داخل رحمت ما شد. این وصف «مُشْمِرٍ بِهِ عَلِيَّت» می‌باشد.

بنابراین «رحمت أخص الهی» یکی از نتایج معنوی عمل صالح می‌باشد.

✓ سوره‌ی انبیاء - آیه ۹۴:

«فَمَنْ يَعْمَلْ مِنَ الصَّالِحَاتِ وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَلَا كُفْرَانَ لِسَعْيِهِ وَإِنَّا لَهُ كَاتِبُونَ»

هر کس عمل صالح انجام بدهد، به شرط آن که ایمان داشته باشد، خداوند سعی و تلاش و

عملش را سپاسگزاری می‌کند.

«سعی» به معنی انجام عمل با شتاب می‌باشد.

«وَإِنَّا لَهُ كَاتِبُونَ»: هر کس ایمان داشته باشد و عمل صالح انجام دهد، خداوند اعمالش را برایش

مکتوب می‌کند.

بحث «کتاب» و مکتوب کردن، نامه‌ی اعمال، لوح محفوظ و ... در قرآن، بحث مستقلی است.

در این آیه مکتوب کردن عمل، یعنی آثار عمل او در روحتش ثبت شده و موجب تحوّل او می‌شود.

هر کس عمل صالح انجام دهد، خداوند آن را از بین نمی‌برد و آثار آن اعمال را به روح او منتقل

و ثبت می‌کند تا اینکه روح او متحول شده و به صلاح گرایش پیدا می‌کند و این تمایل، مقدمه‌ای می‌شود

برای این که او از صالحین شود.

برخی می‌پرسند چه کنیم تا متحول شویم، از درون دگرگون شده و از گناه دل بکنیم و به

کارهای خوب گرایش پیدا کنیم. این آیه پاسخ می‌دهد. راهش انجام «عمل صالح» است تا به فرمایش

مرحوم آیت الله بهاء الدینی^(ره) مبدأ میل و گرایش درونی ما عوض شود و تمایلاتمان از بدی برگردد به سوی خوبی. راه رسیدن به همه اینها فقط «عمل صالح» است.

✓ سوره‌ی انبیاء - آیه ۱۰۵:

« وَ لَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزَّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذِّكْرِ أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ »

این آیه اشاره به یکی از آثار دنیوی عمل صالح می‌کند. منظور از « ذکر» در این آیه، تورات می‌باشد. ما در تورات و زبور قید کردیم که به طور مسلم، حکومت جهانی به صالحین خواهد رسید.

البته در طول تاریخ، موقعیت حکومت برای صالحین، خیلی کم پیش آمده است. اغلب پیامبران و ائمه علیهم السلام در تنگنای اجتماعی زندگی کردند و اغلب آنها به شهادت رسیدند. مثلاً حضرت نوح^(ع) بعد از ۹۵۰ سال دعوت مردم به سوی خداوند، تنها موفق شد عده‌ی کمی را به صراط حق هدایت کند. تا جایی که عموم مردم به جز عده‌ی بسیار کمی که همراه او به کشتی سوار شدند، هلاک شدند. (به همین علت حضرت نوح^(ع) را آدم ثانی گویند، زیرا نسل انسان همگی از نوح^(ع) و همراهان او هستند) و در سیره‌ی ائمه علیهم السلام نیز همین وضعیت مشاهده می‌شود.

بنابراین اگر این آیه را براساس اصطلاح « جری» معنا کنیم، اشاره به حکومت حضرت مهدی^(ع) دارد و به صالحین در طول تاریخ امیدواری می‌دهد که سرانجام، حکومت جهانی در زمین به دست صالحین سپرده خواهد شد.

از این آیه و آیه‌ی بعد، رجعت و فلسفه‌ی رجعت نیز فهمیده می‌شود.

✓ سوره‌ی حج - آیه ۱۴:

«إِنَّ اللَّهَ يُدْخِلُ الَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ إِنَّ اللَّهَ يَفْعَلُ مَا

يُرِيدُ»

✓ سوره‌ی حج - آیه ۲۳:

«إِنَّ اللَّهَ يُدْخِلُ الَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ يَحَلُّونَ فِيهَا مِنْ

أَسَاوِرَ مِنْ ذَهَبٍ وَلُؤْلُؤًا وَلِبَاسُهُمْ فِيهَا حَرِيرٌ»

مشابه این آیات، قبلاً بررسی شده است.

✓ سوره‌ی حج - آیه ۵۰:

«فَالَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَهُمْ مَغْفِرَةٌ وَرِزْقٌ كَرِيمٌ»

«رزق» و روزی در قرآن محدود به خور و خواب نیست، بلکه به طور کلی آنچه که موجب

ادامه‌ی حیات می‌شود، رزق نامیده می‌شود که معنای گسترده‌ای دارد. لذا روزی گیاه، حیوان و انسان با

هم متفاوت است. از سوی دیگر رزق دنیوی انسان با رزق معنوی او تفاوت دارد. روزی انسان از جهت

انسانی فکر او، و از جهت ایمانی عمل صالح اوست. از همین رو در قرآن «رزق کریم» آمده است.

در سوره‌ی آل عمران - آیه ۱۶۹ داریم: «أَحْيَاءُ عِنْدَ رَبِّهِمْ يُرْزَقُونَ» بعد از این که انسان مُرد و

از این دنیا رفت، تازه مشمول رزق و روزی می‌شود. بنابراین از همین آیه می‌توان فهمید مفهوم رزق در

قرآن گسترده و محدود به خور و خواب نمی‌شود.

✓ سوره‌ی حج - آیه ۵۶:

«... فَأَلَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ فِي جَنَّاتِ النَّعِيمِ»

«جنت‌نعم» اشاره به مراتب بالای بهشت می‌باشد.

✓ سوره‌ی نور - آیه ۵:

«إِنَّا الَّذِينَ تَابُوا مِن بَعْدِ ذَلِكَ وَأَصْلَحُوا فَإِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَّحِيمٌ»

صفات خداوند که در آیات قرآن به کار رفته، همه از روی حکمت و دلیل است. در این آیه نیز

بعد از توبه و عمل صالح، «غفور» و «رحیم» آمده است.

✓ سوره‌ی نور - آیه ۵۵:

«وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ ءَامَنُوا مِنكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِن

قَبْلِهِمْ وَلَيُمَكِّنَنَّ لَهُمْ دِينَهُمُ الَّذِي ارْتَضَىٰ لَهُمْ وَلَيُبَدِّلَنَّهُم مِّن بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنًا يَعْبُدُونَنِي لَا يُشْرِكُونَ بِي شَيْئًا

وَمَن كَفَرَ بَعْدَ ذَلِكَ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ»

این آیه مشابه سوره‌ی انبیاء - آیه ۱۰۵ می‌باشد که توضیح داده شد، ولی بیان کاملتری دارد.

خداوند به مؤمنین از شما که عمل صالح انجام می‌دهند، وعده داده است که قطعاً آنها را جانشین خود در روی زمین قرار خواهد داد، همانطور که عده‌ای را قبل از آنها جانشین کرده بود. و امکانات و تمکنی به آنها خواهد داد تا بتوانند آن دینی که مورد رضایت و پسند خداوند است را در روی زمین پیاده کنند و حکومتی تشکیل دهند که توحید حقیقی و تشیع واقعی را در زمین پیاده کنند و آن ترسی که از قدرتها داشتند، در سایه‌ی این حکومت تبدیل به امنیّت خواهد شد. (به عبارتی ابر قدرت شیعی تشکیل خواهد شد) به نحوی که همه‌ی مردم به عبادت خداوند می‌پردازند و هیچ شرکی در روی کره‌ی زمین باقی نخواهد ماند و هر کس با وجود چنین حکومت و چنین شرایطی کفر بورزد، فاسق خواهد بود.

این آیه در واقع توصیف حکومت جهانی حضرت مهدی علیه السلام می‌باشد.

آیا بعد از ظهور امام زمان (ع) ، کفر باقی می‌ماند؟ پیروان ادیان دیگر مثل مسیحیان یهودیان باقی

می‌مانند و اگر هستند در چه شرایطی در حکومت دینی زندگی خواهند کرد؟

در پاسخ به این سؤال دو دسته روایات وجود دارد. گروهی از روایات قائل به از بین رفتن کامل

کفر بعد از ظهور امام زمان علیه السلام هستند.

و گروهی دیگر به زندگی اهل کتاب در کنار مسلکانان در حکومت جهانی حضرت مهدی علیه

السلام اشاره دارند.

این روایات را به این شکل می‌توان جمع کرد که در ابتدای ظهور، اهل کتاب در کنار مسلمانان زندگی کرده و جزیه می‌دهند. ولی با گسترش معارف دین، و به تدریج اکثر مردم کراهی زمین به اسلام روی می‌آورند. به ویژه پیروان واقعی مسیحیت، با مشاهده‌ی همراهی حضرت مسیح (ع) با امام زمان (ع)، اسلام را می‌پذیرند. و بنابراین تصریح آیه، بعد از طی این مراحل، اگر شخصی هنوز بر شرک خود اصرار ورزد، از فاسقان خواهد بود.

بنابراین برخی روایات ناظر به ابتدای ظهور و برخی دیگر ناظر به استقرار کامل حکومت دینی امام زمان (ع) می‌باشند.

البته این آیه، منحصر در حکومت حضرت مهدی (ع) نیست، بلکه در طول تاریخ حکومت‌هایی را که توسط صالحین شکل گرفته و در استحکام دین مؤثر بوده‌اند، نیز شامل می‌گردد.

✓ سوره‌ی فرقان - آیه ۷۰:

«إِلَّا مَنْ تَابَ وَءَامَنَ وَعَمِلَ صَالِحًا فَأُولَئِكَ يُبَدِّلُ اللَّهُ سَيِّئَاتِهِمْ حَسَنَاتٍ وَكَانَ اللَّهُ غَفُورًا رَحِيمًا»

کسی که ایمان بیاورد و عمل صالح انجام دهد، خداوند از روی غفران و رحمت بی حسابش، نه تنها توبه‌ی او را می‌پذیرد، بلکه گناهان او را به حسنه تبدیل می‌کند.

چگونه این تبدیل صورت خواهد گرفت؟

آیا خداوند به ملائکه امر می‌کند تا در نامه‌ی عمل انسان، گناهان او را پاک کنند و به جای آن

ثواب و کارهای نیک بنویسند؟

این تبدیل گناه به حسنه، در واقع به لحاظ تبدیل و عوض شدن شخصیت روحی و معنوی

انسان، از حالی به حال دیگر است.

انسانی که حقیقتاً از کارهای قبلی خود پشیمان می‌شود و از اعماق درونش آرزو می‌کند ای

کاش آن اعمال زشت را انجام نمی‌داد و با تمام وجودش، ابراز انزجار و تفرّ می‌کند و سپس در انجام

عمل صالح می‌کوشد، گویی اصل شخصیت او عوض شده و تبدیل به شخصیت دیگری شده است. لذا

آنچه که با شخصی قبلی او همراه بوده مثل گناهان و اخلاق ذمیمه، تبدیل می‌شود به خوبی، نیکی و

حسنة.

برخی از عرفا هنگامی که به شهود می‌رسند، می‌گویند از زمانی که چشم ما باز شده، دنیا را

ندیدیم. مرحوم شبستری به نقل از عارف بزرگی به نام « بابا خرج » از عرفای آذربایجان به زبان شعر

می‌گوید:

که فرج تا چشم بگشاده است چشم او به دنیا نیفتاده است

این در واقع همان چیزی است که در حدیث معراج آمده است: خداوند از روح مؤمن در مورد

دنیا سؤال می‌کند. مؤمن پاسخ می‌دهد، از زمانی که تو را شناختم، تمام دنیا از چشم من افتاد.

همه‌ی اینها به این دلیل است هنگامی که مؤمن و یا عارفی چشمش به حقایق باز می‌شود، در

واقع با چشم دیگری به غیر از دید قبلی، به جهان نگاه می‌کند. لذا آنچه که قبلاً می‌دیده، دیگر با این

چشم نمی‌بیند.

حال که با این فرآیند، شخصیت انسان عوض می‌شود، خدا هم با او به صورت دیگری رفتار

می‌کند. تمام بدبهایش را می‌ریزد و از بین می‌برد و تبدیل می‌کند به خوبی.

لذا تبدیل سیئات به حسنات، در واقع در اثر تحوّل روح انسان می‌باشد.

باز هم در این تحوّل‌ات، خداوند خودش را با دو صفت «غفور» و «رحیم» معرفی می‌کند، که

حاکمی از مغفرت و رحمت خاص خداوند به چنین بندگان است.

✓ سوره‌ی فرقان – آیه ۷۱:

«وَمَنْ تَابَ وَعَمِلَ صَالِحًا فَإِنَّهُ يَتُوبُ إِلَى اللَّهِ مَتَابًا»

عمل صالح، زمینه ساز توبه در انسان می‌شود. اگر انسان توبه کند و عمل صالح انجام دهد، به

صورت متعکس عمل کرده و خود موجب دستیابی انسان به توبه‌ی واقعی می‌شود.

✓ سوره‌ی نمل – آیه ۱۹:

«وَأَنْ أَعْمَلَ صَالِحًا تَرْضَاهُ وَأَدْخِلَنِي بِرَحْمَتِكَ فِي عِبَادِكَ الصَّالِحِينَ»

یکی از نتایج عمل صالح ورود به رحمت اخص الهی می‌باشد.

✓ سورهی قصص - آیه ۶۷:

« فَأَمَّا مَنْ تَابَ وَءَامَنَ وَ عَمِلَ صَالِحًا فَعَسَىٰ أَنْ يَكُونَ مِنَ الْمُفْلِحِينَ »

«فَعَسَى» یعنی امید است ولی چون این امیدواری، از خداوند است پس شدنی و ممکن می‌باشد

نه امید صرف.

«مفلحین» افرادی هستند که به بالاترین درجه‌ی رستگاری رسیده‌اند.

بنابراین «فلاح» و رستگاری یکی دیگر از نتایج عمل صالح می‌باشد.

✓ سورهی قصص - آیه ۸۰:

« وَ قَالَ الَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ وَيَلَكُمْ ثَوَابُ اللَّهِ خَيْرٌ لِّمَنْ ءَامَنَ وَ عَمِلَ صَالِحًا وَ لَا يُلقَئَهَا إِلَّا

الصَّابِرُونَ »

شرط رسیدن به درجات و مقام صالحین، صبر می‌باشد. عمل صالح فقط در نماز و روزه خلاصه

نمی‌شود، بلکه گستره‌ی وسیعی دارد که شرط تحقق آنها، صبر است.

✓ سورهی عنکبوت - آیه ۷:

« وَ الَّذِينَ ءَامَنُوا وَ عَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَنُكَفِّرَنَّ عَنْهُمْ سَيِّئَاتِهِمْ وَ لَنَجْزِيَنَّهُمْ أَحْسَنَ الَّذِي كَانُوا

يَعْمَلُونَ »

هر کس ایمان بیاورد و عمل صالح انجام دهد، خداوند حتماً و یقیناً گناهانش را می‌پوشاند.

صراحت و تأکیدی که در این آیه وجود دارد، کم نظیر است. بیشتر از این نمی‌توان روی پذیرفتن

توبه و بخشش و پوشش گناهان تأکید کرد. حقیقتاً این آیه به انسان اطمینان خاطر مضاعف می‌دهد.

پاداشی هم که خداوند به عمل انسان می‌دهد، از نوع بهترین نوع پاداشی است که می‌توان به آن

عمل داد. این پاداش معادل و برابر عمل نیست، بلکه به فضل خداوند، مضاعف و چندین برابر می‌شود.

یک عده‌ای عمل می‌کنند و در برابر آن پاداش می‌خواهند. خداوند هم برابر اعمالشان به آنها

پاداش می‌دهد. ولی برخی عمل خود را هیچ می‌پندارند و برای آن ارزشی قائل نیستند و فقط به فضل

خداوند امید دارند. خداوند هم با فضل خودش با آنها برخورد می‌کند و پاداش بی‌نهایت به آنها می‌دهد.

✓ سوره‌ی عنکبوت - آیه ۹:

« وَ الَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَنُدْخِلَنَّهُمْ فِي الصَّالِحِينَ »

ایمان و عمل صالح، انسان را بالا می‌برد، تا جایی که وارد گروه صالحین می‌شود. صالحین

واقعی، مخلصین و انبیاء بودند. انسان عادی هم می‌تواند در اثر عمل صالح وارد این گروه بشود و از

کمالات معنوی آنها برخوردار شود.

✓ سوره‌ی عنکبوت - آیه ۵۸:

« وَ الَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَنُبَوِّئَنَّهُمْ مِّنَ الْجَنَّةِ غُرَفًا تَجْرِي مِن تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا

نِعْمَ أَجْرُ الْعَمَلِينَ »

«غُرْفًا» به معنای طبقات و درجات بهشت در این آیه اشاره به درجات بالای بهشت می‌باشد. در آیاتی از قرآن و بسیاری روایات به طبقات بهشت و جهنم اشاره شده است که توضیح آنها بحث مستقلی را می‌طلبد. طبقات بهشت اشاره به مقام معنوی و بهره‌ی معنوی بهشتیان می‌باشد. اینطور نیست که یکی در طبقه‌ی بالای مکانی قرار داشته باشد و دیگری در پایین. گاهی ممکن است مثلاً امیرمؤمنان علی (ع) در این دنیا با صحابه و حتی برخی منافقین در کنار هم در یک مکان ننشسته باشند، ولی آن حضرت در طبقه‌ی هفتم آسمان و دیگری در طبقات دیگر و برخی در جهنم جای داشته باشند.

بنابراین، اگر در روایتی می‌خوانیم کی که فلان عمل را انجام دهد با ائمه و انبیای الهی در بهشت هم درجه خواهد بود، فکر نکنیم دقیقاً به مقام ائمه و انبیای الهی می‌رسد، بلکه آن عمل صرفاً زمینه رسیدن را به مقام معنوی فراهم می‌کند. در هر حال، کسی که می‌خواهد به درجه‌ی انبیاء برسد و از آن شعور و معرفت برخوردار شود، راهش عمل صالح می‌باشد.

✓ سوره‌ی روم - آیه ۱۵:

« فَأَمَّا الَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ فَهُمْ فِي رَوْضَةٍ يُحْبَرُونَ »

«روضه» به معنی بوستان و اشاره به بهشت می‌باشد و « يُحْبَرُونَ » یعنی مسرور و خوشحال

هستند.

✓ سوره‌ی روم - آیه ۴۴:

« مَنْ كَفَرَ فَعَلَيْهِ كُفْرُهُ وَ مَنْ عَمِلَ صَالِحًا فَلَا نَفْسِهِمْ يَمْهَدُونَ »

هر کس عمل صالح انجام دهد، زمینه‌ی خوبی را برای خودش فراهم می‌کند. اولین اثر عمل صالح - چه اعمال فردی و چه اجتماعی - تزکیه‌ی روح و نفس خود انسان است. یکی از آثار مهم معنوی عمل صالح، همین اثر گذاشتن روی روح است که در واقع تمامی آثار دیگر عمل صالح، زیر مجموعه‌ی همین اثر هستند.

اولین اثری که عمل صالح می‌گذارد، این است که روح انسان را از آلودگی‌ها نجات می‌دهد، نفس انسان را تزکیه می‌کند. اگر انسان کار خیری انجام می‌دهد، مسجدی می‌سازد، دست کسی را می‌گیرد، کمکی می‌کند، ولی این اعمال موجب تزکیه‌ی نفس او نشود، معلوم است عمل او صالح نبوده. گرفتاری ما این است که گاهی برخی اعمال به ظاهر نیک و خیر ما، نه تنها روح ما را پاک نمی‌کند. بلکه باعث کبر و غرور و خود بزرگ‌بینی در ما می‌شود.

در بسیاری از آیات قرآن همین معنا تاکید شده است. کوچکترین کار خوب یا بد، حتی فکر و تخیلی که به ذهن انسان می‌رسد، اولین اثر آن در روح انسان می‌باشد. به همین علت در قرآن تاکید بسیاری بر مراقبت و مواظبت از نفس شده است.

بنابراین یکی از نتایج معنوی عمل صالح، آماده شدن نفس انسان برای پذیرش کلمات الهی و توحیدی می‌باشد.

✓ سوره‌ی روم - آیه ۴۵:

« لِيَجْزِيَ الَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ مِنْ فَضْلِهِ إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الْكَافِرِينَ »

هر کس که ایمان بیاورد و عمل صالح انجام دهد، خداوند از روی تفضّل با او برخورد می‌کند.

«فضل» از نظر لغوی به معنای زیاد می‌باشد. «فاضل» از این جهت گفته می‌شود که علم زیادی

دارد. و «فضولی» به این معناست که زیادی در کارهایی که به او مربوط نیست، دخالت می‌کند.

کسی که عمل صالح انجام می‌دهد. به این علت که هر چه انسان، صالح‌تر باشد، عمل خودش را

در مقابل خداوند، کم ارزش‌تر می‌پندارد. هر چه عمل انسان صالح‌تر باشد، انسان از «انانیت» خودش

دست می‌کشد. لذا چنین انسانی نه برای خودش و نه برای عملش در برابر خداوند ارزشی قائل نیست و

خود را هیچ می‌داند.

اعمال را چون خداوند خواسته و با رعایت شرایط کامل آن انجام می‌دهد، ولی همه را هیچ

می‌داند. به همین علت خداوند او را همه چیز حساب می‌کند.

در کتاب منطق الطیر، عطار نیشابوری، داستان حرکت سی مرغ را برای دیدار با سیمرغ حکایت

می‌کند.

این حکایت، بیان سلوک الی الله می‌باشد و این پرندگان در نقش سالکین الی الله.

پرندگان با هدایت هدهد، برای دیدار با سیمرغ حرکت می‌کنند. هر کدام مانعی دارند. پرندگانی

مثل کبک و طاووس به زیبایی ظاهری خود می‌نازند. مرغابی مانعی به نام زهد پیش رو دارد (مثل

کسانی که جانماز آب می‌کشند!) جغد، سمبل افراد گوشه‌گیر از دنیا می‌باشد. خلاصه هر پرنده‌ای با

مانعی در این سیر روبرو می‌باشد که اینها در واقع تمثیل موانع انسان در سیر الی الله است.

پرنندگان در فکر تهیه‌ی سوغات برای سیمرغ هستند و به دنبال سوغاتی می‌گردند که در نزد سیمرغ وجود نداشته باشد و از هدهد در این باره می‌پرسند، و هدهد پاسخ می‌دهد که هر چه دارند از عبادت و زهد و زیبایی و ... همه در نزد سیمرغ در حد اعلاء وجود دارد. تنها چیزی که در آنجا وجود ندارد، «نیستی» می‌باشد.

بنابراین سوغاتی که در نزد خداوند ارزش دارد، هیچ بودن، نیستی و خاکساری است. انسان در اثر عمل صالح به این هیچ بودن و نیستی خواهد رسید. آن وقت است که خداوند از روی تفضّل خود، همه چیز به او می‌دهد.

سوال مرغ دیگر

دیگری گفت ای به حضرت برده راه	چه بضاعت رایج است آن جایگاه
گر بگویی، چون بدین سودا دریم	آن چه رایجتر بود آنجا بریم
پیش شاهان تحفه ای باید نفیس	مردم بی تحفه نبود جز خسیس

جواب هدهد

گفت ای سائل اگر فرمان بری	آن چه آنجا آن نباید آن بری
هر چه توز اینجا بری که آنجا بود	بردن آن بر تو کی زیبا بود
علم هست آن جایگاه و اسرار هست	طاعت روحانیان بسیار هست
سوز جان و درد و دل می بر بسی	ز آن که این آنجا نشان ندهد کسی

گر بر آید از سرِ دردی یک آه	میبرد بوی جگر تا پیشگاه
جایگاه خاص مغزِ جانِ توست	قشرِ جانتِ نفسِ نافرمانِ توست
آه اگر از جای خاص آید پدید	مرد را حالی خلاص آید پدید

✓ سوره ی لقمان - آیه ۸ :

«إِنَّ الَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَهُمْ جَنَّاتُ النَّعِيمِ»

قبلاً توضیح داده شد.

✓ سوره ی سجده - آیه ۱۹ :

«أُمَّةً الَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ فَلَهُمْ جَنَّاتُ الْمَأْوَىٰ نُزُلًا بِمَا كَانُوا يَعْمَلُونَ»

«جنت المأوی» یکی دیگر از مراتب بهشت می باشد.

✓ سوره ی احزاب - آیه ۳۱ :

«وَمَنْ يَقْنُتْ مِنْكُنَّ لِلّٰهِ وَرَسُولِهِ وَتَعْمَلْ صَالِحًا نُؤْتِيهَا أَجْرَهَا مَرَّتَيْنِ وَأَعْتَدْنَا لَهَا رِزْقًا كَرِيمًا»

این آیه خطاب به همسران پیامبر اکرم^(ص) می باشد که اگر عمل صالح انجام دهند، خداوند پاداش

دو برابر و رزق کریم به آنها خواهد داد.

خوبست که در ذیل این آیه، به شبهاتی که در مورد همسران پیامبر وجود دارد اشاره و آنها را

توضیح دهیم.

برخی اهل سنت با اشاره به آیه ۶ از همین سوره‌ی احزاب که می‌فرماید: « النَّبِيُّ أَوْلَىٰ

بِالْمُؤْمِنِينَ مِنْ أَنْفُسِهِمْ وَ أَزْوَاجُهُ أُمَّهَاتُهُمْ » می‌گویند همسران پیامبران، همگی « امّ المؤمنین » هستند. و

به شیعه ایراد می‌گیرند چرا به «عایشه» توهین می‌شود و او را لعن می‌کنید.

پاسخ این شبهه، در آیه‌ی ۳۰ همین سوره داده شده است:

« يَا نِسَاءَ النَّبِيِّ مَنِ يَاْتِ مِنْكُنَّ بِفَحِشَةٍ مُّبَيِّنَةٍ يُضَعَّفْ لَهَا الْعَذَابُ ضِعْفَيْنِ »

ای همسران پیامبر! (ای ام المؤمنین‌ها!) هر کس از شما کار زشت آشکاری انجام بدهد، او را

دو برابر عذاب خواهیم کرد. و سپس در آیه‌ی بعدی اضافه می‌کند، هر کس در برابر خداوند و

رسولش^(ص) فروتنی و اطاعت کند و عمل صالح انجام دهد، خداوند پاداش او را هم دو برابر خواهد کرد.

این آیات در واقع هشدار و تهدید به همسران پیامبر است. ابتدا نسبت به انجام کارهای ناشایست

به آنها هشدار می‌دهد، حتی از عبارت « فاحِشَةٌ مُّبَيِّنَةٌ » استفاده می‌کند. یعنی کار زشتی که آشکار و

اثرگذار در جامعه باشد. گویی به اعتبار اینکه نخست پاداش مضاعف عمل بد را فرموده و بعد پاداش

مضاعف خوب تذکر داده، خداوند پیش بینی کرده برخی از این زنان در آینده دچار چنین لغزش بزرگی

خواهند شد.

بنابراین در آیه‌ی ۶، زنان پیامبر را به اعتبار همسری پیامبر اکرم^(ص) و این که او پدر همه‌ی

مؤمنین از ازل تا ابد می‌باشد، ام المؤمنین خطاب کرده است، ولی در آیات بعد به آنها هشدار می‌دهد که

مراقب اعمال خود باشند، حتی اشتباهات آنها از آنجایی که اثر بیشتری در جامعه می‌گذارد، عذاب

بیشتری خواهد داشت. (همانطور که در چنگ جمل این اتفاق افتاد. عایشه با حضرت علی ^(ع) مخالفت

کرد و جنگ جمل راه افتاد و به اعتبار همسری پیامبر و ام المؤمنین بودن، عده‌ی زیادی را همراه او

کردند و نتیجه این شد که ۳۰ هزار نفر از مسلمانان و از فرزندان همین ام المؤمنین! توسط اشتباه او در

جنگ کشته شدند. بعد از پایان جنگ هم، حضرت علی ^(ع)، با احترام عایشه را به مدینه بازگرداندند.)

حالا اهل سنت و متاسفانه برخی از علمای آنها، به راحتی این مسئله‌ی بزرگ را توجیه می‌کنند.

عملکرد را کنار گذاشته، فقط اسم و نام را چسبیده‌اند.

و یا هر کسی که به هر شکلی پیامبر اکرم ^(ص) را دیده باشد، از صحابه دانسته و او را عادل

می‌دانند. در صورتیکه شیعه فقط آنهایی را که با پیامبر ^(ص) همراهی ایمانی کرده‌اند و با او مصاحبت

داشته‌اند را صحابی محترم می‌دانیم. و بنابر تعالیم اسلام، عملکرد افراد را مهم می‌دانیم، نه فقط اسم و

رسم آنها را.

عده‌ی علمای اهل سنت، معاویه را صحابی و عادل می‌دانند. و در جنگ بین او و حضرت

علی ^(ع)، می‌گویند هر دو صحابی و عادل بودند و هر دو انسانهای خوبی بودند. در بعضی مواقع معاویه

اشتباه کرد، در بعضی شرایط هم (نعوذ بالله) علی ^(ع). اشتباه آنها هم به خودشان مربوط است. و به همین

راحتی از کنار مسئله می‌گذرند.

چطور می‌شود ظهر حق با علی ^(ع) باشد و پشت سر او نماز بخوانیم و عصر که معاویه غلبه کرد،

حق با او باشد و نماز عصر را پشت سر او بخوانیم؟ این برداشت با چه فکر و منطق و استدلالی جور در

می‌آید؟

در حالی که از آیات قرآن به صراحت می‌توان فهمید، مهم عملکرد افراد است. در سوره‌ی توبه -

آیه ۱۱۹ خداوند می‌فرماید: «... و کونوا مع الصّادقین» همراه راستگویان باشید، آیا می‌شود دو طرف

دعوا و جنگ، هر دو راستگو و بر حق باشند؟! هم معاویه با تمام وجود آدم درستی باشد و بر اساس

شرع عمل کند، هم علی^(ع)! و با این حال این دو با هم بجنگند و خون مسلمانان ریخته شود و بعد ما

بگوییم هر دو انسانهای خوبی هستند و در اجتهاد شخصی خود اشتباه کردند. این همه آیه در مورد

عمل صالح در قرآن وجود دارد. حال ما همه‌ی اینها را نادیده بگیریم و فقط این که فردی زمانی با

پیامبر اکرم^(ص) بوده و یا او را رؤیت کرده، او را صحابی و عادل بدانیم و تمام این مسائل را بدون منطق و

استدلال توجیه کنیم!!

برخی از علمای اهل سنت کار را به جایی رسانده‌اند که حتی اعمال زشت و پلید یزید را نیز

توجیه کرده و آن را به اشتباه در اجتهاد نسبت می‌دهند!!!

و یا شبه‌ی دیگری که مطرح می‌کنند، با استدلال به آیه تطهیر که در همین سوره احزاب -

آیه‌ی ۳۳ آمده است: «... إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيراً»

تمامی زنان پیامبر^(ص) را جزء اهل بیت دانسته و آنها را پاک می‌دانند. می‌گویند چه کسی لایق‌تر

و نزدیک‌تر از همسر پیامبر^(ص) که جزء اهلیت او باشد. اهل بیت را اهل خانواده معنی کرده و همسر را

جزء لاینفک آن بیان می‌کنند.

در پاسخ می‌گوییم: روایات بسیاری از پیامبر اکرم^(ص) وجود دارد که خود علمای اهل سنت نقل

کرده‌اند و در آنها، اهلیت کاملاً معرفی شده‌اند.

فرض می‌کنیم هیچ کدام از این روایات وجود ندارد. در همین سوره آیات ۲۸ و ۳۰، پاسخ می‌دهد. آیا می‌شود در قرآن افرادی با « لِيَذْهَبَ عَنْكُمُ الرِّجْسُ وَيُطَهَّرَكُم تَطْهِيرًا » معرفی و پاک دانسته شوند ولی قبل از آن در آیات دیگر، آنها را از آلودگی به « فَاحِشَةٌ مَّيْبِئَةٌ » عمل زشت آشکار، برحذر بدارد؟ آیا کسی که آنگونه پاک از هر گونه آلودگی معرفی می‌شود، امکان ابتلا به « فَاحِشَةٌ مَّيْبِئَةٌ » را دارد؟ چگونه می‌تواند برای این تناقض در آیات قرآن پاسخ بیاورند؟

شبهه‌ی دیگری که مطرح می‌کنند، در مورد لعن این افراد از زبان شیعه می‌باشد، ما می‌گوییم هر کس با پیامبر اکرم (ص) و اهل بیت و ذی القربی او مخالفت کند، طبق نص آیات قرآن شایسته‌ی لعن می‌باشد. و ما آنها را لعن و نفرین می‌کنیم، یعنی دعا می‌کنیم از رحمت خداوند دور باشند و هم باید بر اساس دیدگاه قرآن این نظر را داشته باشید.

ولی آنها مخالف لعن صحابه (با همان تعریف) هستند، حتی می‌گویند یزید را هم نمی‌توان لعن کرد.

در آیات قرآن در ۴۱ مورد «لعن» و ریشه‌های آن بکار رفته است.

اگر دقت کنیم چنین افرادی شایسته‌ی لعن هستند: کافران، کسانی که حقیقت را کتمان کنند، قاتلین مؤمنین، ظالمین، مشرکین، فاسقین، هر کس کافر بمیرد و... بنا بر این لعنی که ما می‌کنیم، استدلال قرآنی دارد.

همانطور که حضرت علی (ع) در جنگ جمل هم فرمودند، میزان قضاوت ما در مورد افراد،

عملکرد آنهاست.

خدایا نظر عین الله الناظره، امام زمان صلوات الله علیه را شامل حال رهبر ما، مملکت ما، مراجع

تقلید و کیان تشیع و موجب برآورده شدن حوائج ما قرار بده.

آمین!